

آزادی احزاب در ایران جدی می‌شود؟

از همان روز که وزارت کشور اعلام داشت که قانون احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ به اجرا گذارده و فعالیت احزاب در ایران از سر گرفته خواهد شد، این سؤال از ذهن سیاسی‌اندیشان گذشت که آیا این بار حزب و آزادی احزاب در ایران جدی گرفته خواهد شد؟

هرچند تاریخ سیاست در ایران نشان نمی‌دهد که هیچگاه دولتها احزاب را جدی گرفته و آن را به مثابه نهادی ضروری برای اداره جامعه پذیرفته باشند، اما مساله این است که جدی شدن احزاب تنها به تصمیم دولت بستگی ندارد، مردم خود باید حزب را بخواهند و پای آن بایستند. بدین ترتیب آدینه نه مشابه یک موضوع سیاسی که به مثابه یک موضوع فرهنگی - اجتماعی به گزارش احزاب می‌پردازد. چرا که حزب در ایران پیش از آنکه یک مساله سیاسی باشد، یک ماجرای فرهنگی است. فرهنگ تحزب در ایران پرمایه نیست. گرایش به احزاب به دلیل عملکرد بد احزاب در گذشته رواجی ندارد، دولتها نیز با عدم تحمل افکار مخالف برای مدتی هرچند کوتاه، به نهادی شدن احزاب کمکی نکرده‌اند و مجموعه رفتار دولتها و شخصیت‌های سیاسی و مردم ما را به اینجا رسانده است که ده سال پس از انقلاب اسلامی، هنوز حتی یک حزب پرطرفدار در عرصه سیاسی ایران حضور ندارد.

گروه گزارش

اینک نیز که بار دیگر موضوع احزاب در ایران مطرح شده است، عده‌ای با نظر بدبینانه بدان می‌نگرند و به حسن نیت دولت در این زمینه اعتماد ندارند. به نظر می‌رسد نیت دولت هرچه باشد، مردم و شخصیت‌های سیاسی ضرورتاً باید به آن بپردازند و برای نهادینه کردن احزاب بکوشند.

گزارش حاضر شامل چندبخش است: در قسمت نخست آن به این بحث پرداخته‌ایم که حزب چیست؟ چه طبقه‌بندی و چه سودمندی‌هایی دارد؟ در بخش دوم به تاریخ حزب در ایران پرداخته شده است. در قسمت سوم نظر شخصیت‌های سیاسی درباره فرهنگ تحزب و فعالیت‌های حزبی در ایران آمده است و در آخرین بخش نام حزبها، جمعیتها و گروههای سیاسی که از دوره مشروطه تاکنون در ایران فعالیت داشته‌اند را خواهید خواند.

پایه‌های چهارگانه حزب

- ۱- حزب باید دارای سازمانهای مرکزی و رهبری‌کننده و پایدار باشد یعنی این امید را باید داشت که دوره زندگی حزب از عمر رهبران حزب درازتر است.
- ۲- حزب باید دارای سازمانهای محلی پایدار بوده و با سازمانهای مرکزی حزب پیوند همیشگی و گونه‌گون داشته باشد.
- ۳- رهبران مرکزی و محلی حزب باید مصمم باشند که قدرت سیاسی در پهنه کشور، خواه به تنهایی یا به یاری حزبهای دیگر به دست گیرند و آن را رهبری و اداره کنند و نباید تنها به اعمال نفوذ بر روی قدرت سیاسی حاکم بسنده کنند.
- ۴- حزب باید از پشتیبانی توده مردم برخوردار باشد.

امید را باید داشت که دوره زندگی حزب از عمر رهبران حزب درازتر است. به زبان دیگر تشکیلات حزب نباید با مردن رهبران و بنیانگذاران حزب از هم بپاشد.

۲- حزب باید دارای سازمانهای محلی پایدار بوده و با سازمانهای مرکزی حزب پیوند همیشگی و گونه‌گون داشته باشد.

۳- رهبران مرکزی و محلی حزب باید مصمم باشند که قدرت سیاسی را در پهنه کشور خواه به تنهایی یا به یاری حزبهای دیگر به دست گیرند و آن را رهبری و اداره کنند و نباید تنها با اعمال نفوذ بر روی قدرت سیاسی حاکم بسنده کنند.

۴- حزب باید از پشتیبانی توده مردم برخوردار باشد.

پیدایش احزاب با گسترش دموکراسی سیاسی در اروپای پس از انقلاب صنعتی همزمان بوده است. اندیشه "تمام قوا ناشی از ملت است" از دستاوردهای انقلاب صنعتی است. و نظریه حاکمیت ملی و اندیشه شرکت شهروندان در عرصه‌های زندگی سیاسی همه برخاسته از این اصل است که مسئولان سیاسی و مقامات تصمیم‌گیرنده در هر کشور باید از سوی مردم آن کشور برگزیده شوند. اما مردم سازمان نیافته چگونه می‌توانند در چنین گزینشی مشارکت یابند؟ چنین است که شکل و سازمان‌دهی مردم از پایه‌های زندگی سیاسی است و بدون آن پیکار سیاسی بی‌سامان می‌شود.

وجود احزاب، مشارکت سازمان‌یافته در انتخابات را میسر می‌سازد و از طریق انتخابات است که حکومت‌شوندگان، فرصت می‌یابند تا

و اصل ۲۷ چنین است: "تشکیل اجتماعات و راه‌پیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به میانی اسلام نباشد آزاد است". در اجرای این اصول، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۶۰ قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته‌شده" را در ۱۹ ماده تصویب کرد. در ماده یک این قانون مفهوم احزاب و... چنین تعریف شده است:

"حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای برنامه، اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی با اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد". از آغاز پیدایش احزاب در قرن ۱۹ میلادی در آمریکا و اروپا تاکنون تعریف ثابتی از حزب به دست داده نشده، اما مفهوم آن برای همه تلاش‌ها و حدودی نزدیک است.

عبدالحمید ابوالحمید در کتاب مبانی سیاست از حزب تعریف زیر را به دست می‌دهد:

"حزب گروه شهروندان با آرمانهای مشترک و تشکیلات منظم و متکی به پشتیبانی مردم است که برای به دست گرفتن قدرت دولتی یا شرکت در آن مبارزه می‌کنند". همان کتاب به نقل از لاپا لومبرا و واینر چهار رکن برای حزب قائل است:

۱- حزب باید دارای سازمانهای مرکزی و رهبری‌کننده و پایدارماندنی باشد یعنی این

وزارت کشور از جندی پیش اعلام کرد که حزبها و جمعیتها و... براساس قانون مصوب سال ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی می‌توانند برای ثبت‌نام به این وزارتخانه مراجعه کنند و در این فاصله روزنامه‌ها خیر داده‌اند که گروههایی مانند نهضت آزادی، جاما، نهضت مجاهدین خلق ایران و... در مجموع ۱۸ حزب و گروه برای دریافت فرم ثبت‌نام مراجعه کرده‌اند.

وزیر کشور نیز چندین بار و از جمله در سمینار سراسری معاونان سیاسی استانداریها اعلام کرده است که "احزاب و جمعیتها در چارچوب قانون اساسی آزادی فعالیت سیاسی دارند و کسانی که می‌خواهند به این کشور خدمت کنند می‌توانند بیابند فکرشان را عرضه کنند. ما باید به مردم و کسانی که قلبشان برای انقلاب می‌تپد اجازه فعالیت بدهیم و راه آن اجرای همین قانون احزاب است".

حزب در ایران از زمان مشروطه تا امروز گهگاه بطور علنی و بیشتر به صورت مخفی وجود داشته است، اما هیچگاه احزاب از راه انتخابات به حکومت دست نیافته‌اند. پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی، مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸ در اصول ۲۶ و ۲۷ خود بر آزادی احزاب و جمعیتها تصریح کرد. اصل ۲۶ می‌گوید احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط بر آنکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند

اصل ۲۶ قانون اساسی

" احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت."

دو تعریف از حزب

۱- حزب گروه شهروندان با آرمانهای مشترک و تشکیلات منظم و متکی به پشتیبانی مردم است که برای به دست گرفتن قدرت دولتی یا شرکت در آن مبارزه می کند.

۲- حزب تشکیلات گروهی افراد یک کشور است که چه به صورت قانونی و چه به صورت غیرقانونی با اتکا به مرام و هدفی واحد خواستار در دست گرفتن یا شرکت در قدرت کشورند و می کوشند مردم را در جهت پشتیبانی از آرمانهای خود بسیج کنند.

طبقه بندی احزاب

برای حزبها به لحاظ شناختن سرشت آنها طبقه بندی هایی قائل شده اند. یکی از انواع آن حزب های شخصی است که شخصی آن را بنا می نهد. در ایران نمونه این حزب را حزب دمکرات قوام السلطنه می دانند که شرح آن در تاریخچه آمده است.

یک نوع دیگر حزب نیز، حزبهای موسمی و فصلی است. چرا که بر اثر اتفاقات که در عرصه سیاسی پیش می آید، بروز می کنند. انتخابات یکی از آن موارد به حساب می آید. ولی این نوع حزب معمولاً "در کشورهایی سر برمی آورد که در آنها آزادی انتخابات وجود ندارد. نمونه این احزاب را نیز در تاریخچه خواهند یافت.

دیگر از انواع حزبها، حزبهایی است که براساس مرام و مسلک به وجود می آید و دارای ساختمان ایدئولوژیک است. این دسته از حزبها، حزبهای واقعی به شمار می روند و در ایران نمونه آن را می توان حزب توده دانست.

حزبها را براساس راست و چپ بودن آنها و نیز بر مبنای چگونگی پیدایش آنها نیز طبقه بندی می کنند. (در نوشتن این مختصر جای جای از کتاب مبانی سیاست انتشارات توسل استفاده شده است.)

رشته های علوم اجتماعی و سیاسی که آموزش سیاسی بیشتر از رشته های دیگر است و همچنین در رشته علوم سیاسی که متخصص علم سیاست پرورده می شود، آموزش در بهترین موقعیت کتابی است و دانشجوی دور از زندگی اجتماعی و سیاسی می زید که در جامعه به وقوع می پیوندد، ولی حزب بی گمان کانون آموزش سیاسی موثر است. امروزه در جهان اغلب حزبهای مهم و ریشه دار آموزشگاهها و سازمانهای آموزشی ویژه شان را دارند و در این آموزشگاهها اعضا و پیروانشان را آموزش می دهند.

علاوه بر این حزب را یک مکتب اخلاقی نیز بشمار آورده اند. از آنجا که حزب در هنگام رسیدن به قدرت وعده ها و برنامه هایی را اعلام می کند که خود را ملزم به رعایت آنها می شناسد وفاداری به وعده و برنامه های اعلام شده نوعی آموزش اخلاقی نیز به حساب می آید. امروزه بیشتر احزاب در سیزمینهایی که حزب به مفهوم راستین کلمه در آنها وجود دارد، همواره چنین برنامه هایی را اعلام و آنها را رعایت می کنند.

انضباط نیز یکی دیگر از دستاوردهای حزب به شمار می آید که با انضباطی که در مدرسه آموخته می شود متفاوت و از آن بسیار عملی تر است. چرا که بدون انضباط هیچ پیروزی ای برای احزاب قابل تصور نیست.

نظریه حاکمیت ملی را به عرصه عمل نزدیک گردانند. سودمندیهای حزب هم همه از این فرصتی که در اختیار مردم قرار می گیرد ناشی می شود.

سیاست شناسان عقیده دارند که جریانهای سیاسی در جامعه غیرمتمرکز و پراکنده است. این حزب است که می تواند به آن سازمان دهد و آن را از صورت سیاست خرد به صورت سیاست کلان درآورد. حزب با گرد آوردن نیروهای فردی و سامان بخشیدن به آن قدرت و نفوذ بزرگ به وجود می آورد. فرد که در برابر دولت تنهاست با پیوستن به حزب از تنهایی به در می آید. این نیاز ایجاد ارتباط با دیگران و خارج شدن از تنهایی انگیزه مهمی برای شکل و تحزب است. بدین ترتیب حزب فرصت می یابد از نیروهای فردی یک جریان سیاسی بسازد و به نیروهای پراکنده سازمان دهد تا در مواقع لزوم از جمله در انتخابات از آن بهره برداری کند.

علاوه بر وظیفه سازمان دهندگی حزب وظایف آموزشی و اخلاقی نیز دارد. عبدالحمید ابوالحمید در این باره می نویسد: "بطور کلی دبستان، دبیرستان، دانشگاه، و دیگر نهادهای آموزشی، آنچه که می آموزند غیر سیاسی است و برنامه های "آموزش مدنی" از حدود کلیات بیشتر نمی رود. در دانشگاه در

فراوان نوشته شده که میرزا ملک خان وقتی "فراوشخانه" را به عنوان یک انجمن مخفی در ایران دایر کرد و پس از آن که مجمع آدمیت را بی ریخت، نظر او به تشکیل یک حزب سیاسی مخالف دیکتاتوری بود. برای این ادعا، دلایل و مستندات هم در دست است. از آن جمله نوشته های خود ملک که مدعی شده است که نقش حزب مخالف دولت را ایفا می کند، و حتی آن مجمع را "حزب الله" نامیده است. اگر این مستندات را بپذیریم، ناگزیر باید گفت در همان دورانی که با گسترش ارتباطات ایرانیان با اروپا جرقه های ترقی خواهی و اصلاح طلبی در دلها زده می شد، نخستین حزب در ایران، به صورت یک تشکیلات مخفی



تاریخچه احزاب

در ایران

ایجاد شد. علت مخفی بودن این تشکیلات استبداد حاکم در ایران سالیهای پایانی سلطنت ناصرالدین شاه بود. جهت انتخاب نام "الله" برای آن حزب آن بود که قبلاً "به ملک اتهام با بی گری زده شده بود، او تحت این نام و با تبلیغ خداپرستی و تظاهر به اسلام کوشید تا ظاهری اسلامی به جریان سیاسی خود بدهد. در پرتو همین شعار، ملک از روحانیون ایران دعوت کرد تا نهضت نوین را رهبری کنند. این که بسیاری از علمای حاضر در جنبش مشروطیت که ده سال بعد از مرگ ناصرالدین شاه به راه افتاد متاثر از نظریات ملک بودند، نشان می دهد که او در این نشانه گیری بیراه ترفته بود.